

وکیل یار

آیین دادرسی مدنی

(مجموعه کتاب‌های چهارگزینه‌ای)

مؤلف:

مرتضی گودرزی

سفارش تلفنی: ۰۲۱۶۶۱۲۴۵۳۱



جهت سفارش اینترنتی وکیل یار آیین دادرسی مدنی کلیک کنید

<http://komakazmoon.ir/application/product/?key=۱۳۸۸۰۴۲۴>

فهرست

۹	قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب
۹	کتاب اول: در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹
۲۷	کارگاه گزینه‌یابی
۲۹	در آینه نمودار
۳۳	باب اول: در صلاحیت دادگاه‌ها
۳۳	فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها
۷۰	صلاحیت در آینه نمودار
۷۵	فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن
۸۴	کارگاه گزینه‌یابی اختلاف در صلاحیت
۸۷	اختلاف در صلاحیت در آینه نمودار
۸۸	باب دوم: وکالت در دعاوی
۱۱۰	کارگاه گزینه‌یابی وکالت در دعاوی
۱۱۲	وکالت در دعاوی در آینه نمودار
۱۱۵	باب سوم: دادرسی نخستین
۱۱۵	دادخواست
۱۳۳	مبحث چهارم: پیوست‌های دادخواست
۱۳۵	بهای خواسته
۱۵۲	کارگاه گزینه‌یابی دادخواست
۱۵۵	دادخواست در آینه نمودار
۱۶۱	فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی
۱۶۱	مبحث اول: جریان دادخواست
۱۶۵	مبحث دوم: ابلاغ
۱۸۴	کارگاه گزینه‌یابی ابلاغ
۱۸۶	ابلاغ در آینه نمودار
۱۹۱	مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی
۲۱۷	کارگاه گزینه‌یابی ایرادات
۲۱۹	ایرادات در آینه نمودار
۲۲۴	فصل چهارم: جلسه دادرسی
۲۵۰	کارگاه گزینه‌یابی جلسه دادرسی
۲۵۳	جلسه دادرسی در آینه نمودار
۲۶۰	فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعا و دادخواست
۲۷۷	کارگاه گزینه‌یابی توقیف دادرسی و دادخواست
۲۸۰	توقیف دادرسی و دادخواست در آینه نمودار
۲۸۳	فصل ششم: امر اتفاقی
۲۸۳	مبحث اول: تأمین خواسته
۳۲۱	کارگاه گزینه‌یابی تأمین خواسته
۳۲۴	تأمین خواسته در آینه نمودار
۳۳۲	مبحث دوم: ورود شخص ثالث
۳۳۹	مبحث سوم: جلب شخص ثالث
۳۴۷	مبحث چهارم: دعاوی متقابل
۳۵۵	مبحث پنجم: اخذ تأمین از اتباع دولت‌های خارجی
۳۵۹	کارگاه گزینه‌یابی دعاوی طاری
۳۶۲	دعاوی طاری در آینه نمودار
۳۶۶	فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه

۳۶۶	مبحث اول: تأمین دلیل
۳۷۰	مبحث دوم: اظهار نامه
۳۷۲	کارگاه گزینه‌یابی تأمین دلیل
۳۷۴	تأمین دلیل در آینه نمودار
۳۷۵	فصل هشتم: دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت
۳۹۸	کارگاه گزینه‌یابی دعاوی تصرف
۴۰۰	دعاوی تصرف در آینه نمودار
۴۰۵	فصل نهم: سازش و درخواست آن
۴۰۵	مبحث اول: سازش
۴۱۵	کارگاه گزینه‌یابی مبحث سازش
۴۱۶	فصل دهم: رسیدگی به دلایل
۴۱۶	مبحث اول: کلیات
۴۲۳	مبحث دوم - اقرار
۴۲۹	کارگاه گزینه‌یابی رسیدگی به دلایل (کلیات) و اقرار
۴۳۰	مبحث سوم : اسناد
۴۳۰	الف - مواد عمومی
۴۴۰	کارگاه گزینه‌یابی اسناد
۴۴۲	اسناد در آینه نمودار
۴۴۳	ب - انکار و تردید
۴۴۸	ج - ادعای جعلیت
۴۵۶	انکار و تردید و ادعای جعل در آینه نمودار
۴۵۷	رسیدگی به اصالت سند
۴۶۶	کارگاه گزینه‌یابی انکار و تردید و ادعای جعلیت و رسیدگی به صحت و اصالت سند
۴۶۹	رسیدگی به اصالت سند در آینه نمودار
۴۷۰	مبحث چهارم: گواهی
۴۸۴	کارگاه گزینه‌یابی گواهی
۴۸۵	گواهی در آینه نمودار
۴۸۷	مبحث پنجم: معاینه محل و تحقیق محلی
۴۹۵	مبحث ششم: رجوع به کارشناس
۵۱۱	کارگاه گزینه‌یابی معاینه و تحقیق محلی - رجوع به کارشناس
۵۱۳	کارشناسی در آینه نمودار
۵۱۴	مبحث هفتم: سوگند
۵۲۷	کارگاه گزینه‌یابی سوگند
۵۲۸	مبحث سوگند در آینه نمودار
۵۲۹	مبحث هشتم - نیابت قضایی
۵۳۳	فصل یازدهم : رای
۵۳۳	مبحث اول : صدور و انشای رای
۵۴۳	انواع احکام در آینه نمودار
۵۴۶	مبحث دوم: ابلاغ رای
۵۴۹	مبحث سوم : حکم حضوری و غیابی
۵۵۵	مبحث چهارم : واخواهی
۵۶۴	مبحث پنجم: تصحیح رأی
۵۶۵	کارگاه گزینه‌یابی مبحث نیابت قضایی، صدور و ابلاغ رأی، حکم حضوری و غیابی، واخواهی، تصحیح حکم
۵۶۷	مبحث ششم : دادرسی فوری
۵۸۹	کارگاه گزینه‌یابی دستور موقت (دادرسی فوری)
۵۹۱	دستور موقت در آینه نمودار
۵۹۶	باب چهارم : تجدید نظر

۵۹۶	فصل اول : احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر
۵۹۶	فصل دوم: آرای قابل تجدیدنظر
۶۰۶	فصل سوم : مهلت تجدید نظر
۶۰۹	فصل چهارم : دادخواست و مقدمات رسیدگی
۶۲۰	فصل پنجم : جهات تجدیدنظر
۶۴۰	کارگاه گزینه یابی مبحث تجدیدنظرخواهی
۶۴۴	واخواهی و تجدیدنظرخواهی در آینه نمودار
۶۴۷	باب پنجم : فرجام خواهی
۶۴۷	فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی
۶۴۷	مبحث اول: فرجام خواهی و آرای قابل فرجام
۶۵۴	مبحث دوم: موارد نقض
۶۵۹	مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی
۶۶۷	مبحث چهارم - ترتیب رسیدگی
۶۷۰	مبحث پنجم - مهلت فرجام خواهی
۶۷۲	مبحث ششم: اقدامات پس از نقض
۶۸۳	مبحث هفتم - فرجام تبعی
۶۸۵	کارگاه گزینه یابی فرجام خواهی
۶۸۷	فرجام خواهی در آینه نمودار
۶۸۸	فصل دوم: اعتراض شخص ثالث
۷۰۳	اعتراض ثالث در آینه نمودار
۷۰۵	فصل سوم : اعاده دادرسی
۷۰۵	مبحث اول: جهات اعاده دادرسی
۷۱۱	مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی
۷۱۵	مبحث سوم - ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی
۷۲۷	اعاده دادرسی در آینه نمودار
۷۳۰	باب ششم : مواعد
۷۳۰	فصل اول: تعیین و حساب مواعد
۷۳۷	کارگاه گزینه یابی اعتراض شخص ثالث - اعاده - مواعد
۷۴۰	مواعد در آینه نمودار
۷۴۱	باب هفتم - داوری
۷۷۶	داوری در آینه نمودار
۷۷۹	باب هشتم - هزینه دادرسی و اعسار
۷۷۹	فصل اول - هزینه دادرسی
۷۸۰	فصل دوم - اعسار از هزینه دادرسی
۷۸۷	باب نهم - مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد
۷۸۹	خسارات
۷۹۲	مستثنیات دین
۷۹۴	سایر مقررات
۷۹۴	کارگاه گزینه یابی داوری، هزینه دادرسی و اعسار
۷۹۷	منابع

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۹

کتاب اول: در امور مدنی

کلیات

کارگاه قانون خوانی

ماده ۱

تعریف آیین دادرسی مدنی

آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند، به کار می‌رود.



پیش بینی ذهن طراح سوال:

سوالاتی که غالباً از این ماده مطرح می‌شود بصورت جای خالی بوده و کلماتی مانند دعاوی مدنی، حسبی، بازرگانی می‌تواند پاسخ سوال باشد.

مواد مرتبط: ماده ۲ ق.ا.ج، ماده ۱۵ ق.ا.د.ک، ماده ۸ ق.ج.خ - ماده ۱۹ ق.ش.ج.ا، بند ۳ ماده ۳۷۱ ق.ا.د.م در رابطه با کلمه‌ی اصول



نکات نص محور و مفهومی، مهارتی

رعایت تشریفات آ.د.م در رسیدگی به آن دسته از امور مدنی لازم است که رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص بوده و امور ترافعی خوانده می‌شود. 

مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی می‌باشد. (ماده ۱۵ آ.د.ک)
رسیدگی به امور حسبی اصولاً مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نبوده مگر در مواردی که قانون امور حسبی به قانون آیین دادرسی مدنی ارجاع داده شده باشد مانند نیابت قضایی در امور حسبی که به صراحت به مقررات آ.د.م ارجاع شده است. (ماده ۲ ق.ا.ج)
رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود. (ماده ۸ قانون حمایت خانواده)
رسیدگی به دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت، مزاحمت و دعاوی مطروحه در شورای حل اختلاف مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نمی‌باشد. (ماده ۱۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۹۴) 

مقررات آیین دادرسی مدنی، تضمین کننده حقوق ماهوی قوانین موضوعه است، مثل: قانون مدنی که بیان کننده قواعد ماهوی است و در صورت تعرض به حقوق مدنی افراد و طرح دعوا مقررات که آئین دادرسی مدنی بر اصحاب دعوا و قاضی تحمیل می‌شود.

شخصیت طرف دعوا از قبیل: روحانی بودن، نظامی بودن و ... تأثیری در دعاوی حقوقی و صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده ندارد. بلکه این امور مربوط به دعاوی کیفری است که صلاحیت شخصی نیز در آنجا مطرح است. 

منظور از آیین دادرسی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در صدر ماده یک آ.د.م به ۳ دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: مقررات مربوط به سازمان قضاوتی است که از قوانین آمره می‌باشد، یعنی توافق برخلاف آنها باطل بوده و این قوانین عطف به ماسبق می‌گردند یا بنا به قول دیگری به علت اثر فوری قوانین، شامل دعاوی مطروحه نیز می‌گردند. مانند قوانین مربوط به ساختار دادگاه‌ها و تعداد قضات و

اگرچه نام قانون، آیین دادرسی دادگاه‌های «عمومی و انقلاب» است ولی همان‌طور که در ماده‌ی ۱ ذکر شده، علاوه بر آن ما این قانون در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور نیز لازم‌الرعایه است.

دسته دوم: مقررات مربوط به صلاحیت می‌باشد. آن دسته از مقررات آ.د.م که مربوط به صلاحیت ذاتی مراجع می‌باشند از قوانین آمره شمرده می‌شوند، اما مقررات ناظر به صلاحیت نسبی (محلی) دادگاه‌ها علی‌الاصول در شمار قوانین مخیره اند، یعنی توافق خلاف آنها امکان پذیر است. البته لازم به ذکر است قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی عطف به ماسبق می‌شوند یا بنا به نظر نقل شده شامل دعاوی مطروحه نیز می‌گردند، اما قوانین مربوط به صلاحیت نسبی اصولاً عطف به ماسبق نمی‌شوند مگر اینکه در خود این قوانین یا قانون دیگری ترتیبی غیر از این مقرر شود.

دسته سوم: مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص است مانند مهلت تجدیدنظر، کارشناسی، رسیدگی دادگاه و که این مقررات اصولاً از قوانین آمره شمرده می شوند، و اثر فوری داشته و عطف به ماسبق می گردند، مگر در مواردی که عطف به ماسبق شدن آنها به حقوق مكتسبه افراد لطمه وارد آورد.

عبارت مندرجه در ماده ۱ آ.د.م که بیان می دارد: «سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می باشند»، می توان به رای وحدت رویه ۵۶۹ اشاره کرد که بیان می دارد: «رسیدگی به اختلاف نسبت به اصل مالکیت در صلاحیت مراجع دادگستری است حتی اگر با وجود الزام به ثبت، ثبت نگردیده باشد».



🧐 ۱- رسیدگی به دعوای بازرگانی، در حال حاضر، در دادگاه های برابر به عمل می آید. جز در مواردی که ترتیب خاصی تعیین شده باشد.

«سراسری ۸۵»

(۲) عمومی - قانون تجارت

(۱) تجاری - قانون تجارت

(۴) عمومی - قانون آیین دادرسی مدنی

(۳) تجاری - قانون آیین دادرسی تجاری

گزینه «۴» صحیح است. مطابق ماده ۱ قانون آ.د.م رسیدگی به دعوای بازرگانی در دادگاه های عمومی مطابق با مقررات آیین دادرسی مدنی بعمل می آید. با این توضیح ایراد سایر گزینه ها مشخص می شود. در ایران تنها در دوره ای کوتاه، دادگاه های تجاری وجود داشته است که بعدها منحل شده و از آن پس دعوای تجاری نیز در دادگاه های عمومی رسیدگی می شوند.

🧐 ۲- مرجع رسیدگی به دعوای تجاری، دادگاه های است و آیین رسیدگی به آنها، علی القاعده، برابر قانون انجام می شود.

«سراسری ۹۳»

(۲) عمومی - آیین دادرسی تجاری

(۱) تجاری - آیین دادرسی تجاری

(۴) عمومی - آیین دادرسی مدنی

(۳) تجاری - آیین دادرسی مدنی

گزینه «۴» صحیح است. ر.ک به شرح تست شماره ۱

🧐 ۳- مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص، اصولاً از قواعد:

«آزاد ۸۴»

(۱) آمره شمرده می شوند و توافق خلاف آنها موثر نیست.

(۲) مخیره شمرده می شوند و توافق خلاف آنها موثر است.

(۳) آمره شمرده می شوند و توافق خلاف آنها، به صلاح دید دادگاه موثر است.

(۴) مخیره شمرده می شوند و توافق خلاف آنها، به صلاح دید دادگاه موثر است.

گزینه «۱» صحیح است.

ایراد گزینه ۲ و ۳ و ۴: مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص، اصولاً از قوانین آمره شمرده می شوند و بنابراین توافق خلاف آنها موثر نمی باشد. برای مثال مهلت تجدیدنظر نسبت به حکم دادگاه عمومی در حال حاضر برای اشخاص مقیم ایران بیست روز است. بنابراین چنانچه دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت تقدیم گردد ولو طرف مقابل اعتراض ننموده و یا حتی راضی باشد مرجع صالح به همین علت قرار رد دادخواست را صادر می نماید (ر.ک دکتر عبدالله شمس. ج اول. ش ۱۳) با این توضیح ایراد سایر گزینه ها روشن می شود.

🌟 **تله تست:** در این تست طراح از تله شباهت بین اصول آیین دادرسی مدنی استفاده نموده است، طراح محترم قصد دارد با آوردن همه ویژگی های اصول و مقررات آ.د.م ذهن داوطلب را در بین دو گزینه قرار دهد که با کمی تسلط بر نکات ماده ۱ آ.د.م که بیان گردید، می توان پاسخ صحیح را انتخاب نمود.

🧐 ۴- مقررات مربوط به سازمان قضای، از قواعد آمره:

«سراسری ۸۴»

(۱) بوده و اثر فوری دارند و توافق خلاف آنها بی اثر است.

(۲) بوده و اثر فوری ندارند و توافق خلاف آنها بی اثر است.

(۳) نبوده و اثر فوری دارند و توافق خلاف آنها معتبر است.

(۴) نبوده و اثر فوری ندارند و توافق خلاف آنها معتبر است.

گزینه «۱» صحیح است. آن دسته از مقررات آیین دادرسی مدنی که مربوط به سازمان قضاوتی می‌باشد از قواعد آمره شمرده می‌شوند، با این توضیح ایراد گزینه ۳ و ۴ معلوم می‌گردد. مضافاً اینکه قوانین سازمان قضاوتی عطف به ما سبق می‌گردند یا بنا به قول دیگری به علت اثر فوری قوانین شامل دعاوی مطروحه نیز می‌گردند، بنابراین ایراد گزینه ۲ مشخص می‌گردد و با توجه به اینکه مقررات مربوط به سازمان قضاوتی آمره می‌باشد لذا توافق خلاف آن‌ها باطل و بی‌اثر است، مثل اینکه رسیدگی در دیوانعالی کشور که می‌بایست با حضور ۳ قاضی به عمل آید ولی با حضور ۲ قاضی انجام و رای صادر می‌شود، که در صورت اخیر وجه قانونی ندارد.

❖ **تله تست:** در این تست هم مانند تست قبلی طراح محترم با آوردن تمام ویژگی‌های اصول و مقررات آدم قصد دارد داوطلب را در بین دو گزینه قرار دهد که داوطلب با کمی تسلط بر نظرات دکتربین که در نکات ذیل ماده یک بیان شد می‌تواند گزینه صحیح را انتخاب نماید. همچنین عبارات بسیار نزدیک و شبیه به هم است و باید دقت کافی مبذول شود.

🙄 **۵- دادگاه تجدید نظر استان نمی‌تواند با شرکت کمتر از قاضی رسیدگی کند..... اصحاب دعوا در این خصوص توافق قبلی نموده باشند.**

«آزاد۹۰الف»

(۱) دو - حتی اگر (۲) سه - حتی اگر (۳) دو - مگر (۴) سه - مگر

گزینه «۱» صحیح است. مطابق ماده ۲۰ ق.ت.د.ع. رسیدگی در دادگاه‌های تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت می‌یابد لذا ایراد گزینه ۲ و ۴ معلوم می‌شود. با توجه به اینکه تعداد قضات مربوط به قواعد سازمان قضاوتی و از قواعد آمره محسوب می‌شود لذا توافق خلاف آن‌ها باطل و بلااثر است پس ایراد گزینه ۳ مشخص می‌شود. برای توضیحات بیشتر ر.ک به شرح تست شماره ۴.

❖ **تله تست:** طراح محترم در این تست اصول و مقررات آدم را در قالب مثال آورده است. تست مزبور چون در مورد قضات مطرح گردیده، متوجه می‌شویم که از مقررات مربوط به سازمان قضاوتی است، لذا همانطور که در نکات ذیل ماده آورده شد، این مقررات اثر فوری دارند، عطف به ماسبق شده و توافق خلاف آنها باطل است.

🙄 **۶- پیش از صدور رای که از دادگاه انقلاب صادر شده و طبق مقررات قطعی است، طرفین توافق می‌نمایند که رای مزبور قابل تجدید نظر باشد. این رای قابل تجدید نظر:**

«آزاد۸۵»

(۱) است، چون مربوط به حقوق خصوصی اشخاص است.

(۲) نیست، چون توافق خلاف قواعد آمره است.

(۳) است، چون در دادگاه انقلاب تنها به موازین شرعی عمل می‌شود.

(۴) نیست، چون امر در دادگاه انقلاب مطرح است.

گزینه «۲» صحیح است. مقررات مربوط به آیین دادرسی مدنی به معنای اخص از قواعد آمره محسوب می‌شود و توافق خلاف آن‌ها بلااثر است، بنابراین طرفین نمی‌توانند با توافق یکدیگر رای که در زمره آرای قطعی محسوب می‌شود را، قابل تجدیدنظر بدانند. با این توضیح ایراد گزینه ۱ و ۳ روشن می‌شود.

ایراد گزینه ۴: تفاوتی نمی‌کند دعوا در کدام مرجع مطرح باشد بنابراین رای که قطعی است قابل تجدیدنظر نیست اعم از اینکه از دادگاه انقلاب یا دادگاهی دیگر صادر شده باشد.

🙄 **۷- اعتراض به درخواست گواهی انحصار وراثت، در صورتی که متوفی بلاوارث تشخیص داده شود، به عهده‌ی است.**

«سراسری۸۵»

(۲) رئیس دادگستری مربوط

(۱) دادسرای مربوط

(۴) دولت، با نمایندگی وزارت اقتصاد و دارایی

(۳) رئیس حوزه قضایی مربوط

گزینه «۱» صحیح است. پاسخ سوال را بایستی در ماده ۳۶۷ ق.ا.ج جستجو نمود که مقرر نموده: «در کلیه مواردی که دادستان تشخیص دهد که متوفی بلاوارث بوده و درخواست اشخاص برای صدور تصدیق بی‌اساس است می‌تواند به درخواست تصدیق وراثت اعتراض نماید ...» و با توجه به اینکه دادستان شخصی است که ریاست دادسرا را برعهده دارد بنابراین صحیح‌ترین گزینه، گزینه ۱ می‌باشد.

🧐 ۸- در رسیدگی به درخواست صدور گواهی انحصار وراثت، دادسرا در صورتی می‌تواند اعتراض نماید که.....
«سراسری ۸۹، دعوی خانوادگی ۸۹»

- (۱) متوفی را ورشکسته بداند.
(۲) متوفی را محجور بداند.
(۳) متوفی را دارای وارث محجور بداند.
(۴) متوفی را بلاوارث تشخیص دهد.

گزینه «۴» صحیح است. ر.ک به شرح تست شماره ۷

🧐 ۹- عطف به ماسبق شدن مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص:
«آزاد۷۷»

- (۱) در هر صورت غیر ممکن است و صحیح نمی‌باشد.
(۲) با توجه به مقررات موخر التصویب، سوال در هیچ صورتی مطرح نمی‌شود.
(۳) در صورتی ممکن است که به حقوق مکتسبه اشخاص خلل وارد نیابد.
(۴) در صورتی که در خود آن‌ها تصریح نشده باشد صحیح نمی‌باشد.

گزینه «۳» صحیح است. قوانین آیین دادرسی مدنی به معنای اخص، اصولاً اثر فوری داشته و عطف به ماسبق می‌گردند مگر در مواردی که عطف به ماسبق نمودن آنها، به حقوق مکتسبه افراد خلل وارد آید. به عنوان مثال چنانچه به موجب قانون جدید، قابلیت شکایت از حکمی زایل شود این قانون عطف به ماسبق نگردیده و بنابراین قانون جدیدالتصویب شامل احکامی که در زمان لازم الاجرا بودن قانون قدیم صادر شده، نمی‌گردد (ر.ک دکتر عبدالله شمس. ج ۱، ش ۱۷) چون براساس قانون قدیم فرد حق شکایت داشته و یا در صورت عطف به ماسبق کردن قانون جدید حق وی مورد تعرض قرار می‌گیرد.

ایراد گزینه ۱: با توجه به توضیحاتی که داده شد متوجه می‌شویم بصورت مطلق نمی‌توان گفت مقررات آ.د.م عطف به ماسبق نمی‌شود.

ایراد گزینه ۲: مقررات آ.د.م به معنای اخص از اصول آ.د.م است، بنابراین این نکته در قالب سوال امکان طرح را دارد، هرچند که طرح چنین گزینه‌ای در سوال جای ابهام دارد.

ایراد گزینه ۴: اعم از اینکه در قانون تصریح شده یا نشده باشد در صورتی که مقررات آ.د.م به حقوق مکتسبه افراد خلل وارد آورد، عطف به ماسبق نمی‌شود.

🌟 تله تست: در این تست طراح از تله نظرات دکترین استفاده کرده است، در تست مزبور طراح قصد دارد گزینه‌ها را به نحوی طراحی کند که داوطلب تصور نماید که استثنائی در مورد مقررات آ.د.م به معنای اخص وجود ندارد زیرا در مورد سایر اصول آ.د.م استثنائی وجود ندارد، در حالیکه در مورد مقررات آ.د.م به معنای اخص در صورتی که به حقوق افراد خلل وارد شود، استثنایی بر اعمال مقررات آ.د.م به معنای اخص می‌باشد.

🧐 ۱۰- اگر در جریان رسیدگی به دعوایی، به موجب قانون جدیدی تعداد قضات دادگاه تغییر یابد، در ادامه‌ی رسیدگی، تعداد قضاات باید به تعدادی باشد که:
«آزاد۸۸»

- (۱) در قانون جدید پیش بینی شده مگر طرفین خلاف آن تراضی نمایند.
(۲) در قانون قبلی پیش بینی شده بود.
(۳) در قانون قبلی پیش بینی شده بود مگر طرفین خلاف آن تراضی نمایند.
(۴) در قانون جدید پیش بینی شده است.

گزینه «۴» صحیح است. همانطور که در قسمت‌های پیشین، بیان شد، مقررات مربوط به سازمان قضاوتی اثر فوری دارند بنابراین شامل دعوی مطروحه نیز می‌شوند و با توجه به اینکه تعداد قضاات دادگاه‌ها از قوانین مربوط به سازمان قضاوتی است لذا در صورت تغییر قضاات در قانون جدید بایستی مطابق قانون جدید رسیدگی صورت گیرد. در واقع فرض بر این است که مقررات جدید در جهت رسیدگی بهتر تدوین شده‌اند بنابراین اثر فوری دارند. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها مشخص می‌گردد.

«وکالت ۸۳»

🤔 ۱۱- رای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور:

- (۱) قابل تجدید نظر نبوده و فقط به موجب قانون بی اثر می شود.
- (۲) فقط به موجب قانون و یا رای وحدت رویه بی اثر می شود.
- (۳) قابل ابطال در دیوان عدالت اداری است و به موجب قانون نیز بی اثر می شود.
- (۴) قابل تجدید نظر در شعبه تشخیص بوده و به موجب قانون نیز بی اثر می شود.

گزینه «۲» صحیح است. با توجه به ماده ۴۷۳ قانون آ.د.ک مصوب ۹۲ «آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور فقط به موجب قانون یا رای وحدت رویه موخر بی اثر می شود» پس ایراد گزینه های ۳ و ۴ معلوم می شود. مضافاً اینکه توجه داشته باشید آراء هیأت عمومی دیوانعالی کشور نسبت به احکام قطعی شده بی اثر، اما در موارد مشابه برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

ایراد گزینه ۱: گزینه ۱ نسبت به گزینه ۲ ناقص می باشد زیرا عبارت «فقط به موجب قانون» را آورده است در حالیکه رأی وحدت رویه می تواند به موجب رأی وحدت رویه جدید در همان موضوع بی اثر شود. (البته مطابق قانون قدیم گزینه ۱ صحیح بوده چون «فقط به موجب قانون» را ذکر کرده بود)

❖ **تله تست:** طراح در این تست قصد دارد از تله قوانین خاص و دیگر قوانین استفاده نماید که در این راستا هم در گزینه ۳ عبارت «دیوان عدالت اداری» را آورده است تا اینکه ذهن داوطلب را از گزینه صحیح منحرف نماید.

کارگاه قانون خوانی

ماده ۲

اصل ابتکار عمل خصوصی

هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر این که شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده ی قانونی آنان رسیدگی به دعا را برابر قانون درخواست نموده باشند.



پیش بینی ذهن طراح سوال:

سوالاتی که اغلب از این ماده مطرح می شود نص محور است و باید توجه داشت آن چه که به عنوان اصل بیان گردیده چیست و استثنا در چه صورتی قابلیت تحقق دارد، مضافاً طراحان علاقه مندند با استفاده از تشابه کلمات مندرج در ماده با عبارات سایر مواد قانونی، شما را در انتخاب پاسخ صحیح با مشکل مواجه نمایند.



نکات نص محور و مفهومی، مهارتی

- ☞ نفع به هر اندازه ای که وجود داشته باشد کافی است و نفع می تواند جنبه مادی یا معنوی داشته باشد .
- ☞ شخص در صورتی ذی نفع در دعا شمرده می شود که نفع: ۱- حقوقی و مشروع باشد، ۲- به وجود آمده و باقی باشد، ۳- شخصی ومستقیم باشد.
- ☞ اگر نفع برای خواهان منوط به وجود شرط یا معلق به وقوع امری باشد خواهان نمی تواند ذی نفعی خود را توجیه نماید .
- ☞ وظیفه احراز ذی نفعی در دعا برعهده خواهان بوده و احراز ذی حقی طرفین وظیفه دادگاه می باشد .
- ☞ منظور از «قائم مقام» که در ماده فوق به آن اشاره نموده، شخصی است که به جانشینی دیگری دارای حقوق و تکالیف او می گردد، که به دو دسته تقسیم می شوند: قائم مقام عام (وراث، وصی) و خاص (منتقل الیه) و با توجه به نص صریح ماده ۴۱۸ ق.ت.مدیر تصفیه را هم باید قائم مقام تاجر ورشکسته دانست که می تواند از دادگاه، رسیدگی به دعا را درخواست نماید .
- ☞ منظور از نماینده قانونی در ماده فوق عنوانی است که بر مبنای آن، شخص اقدام به انجام عملی حقوقی به نام شخص دیگر، به حساب او و به منظور تامین اهداف او می نماید، بنابراین تفاوت بارزی میان نماینده و قائم مقام وجود دارد.
- ☞☞☞ نمایندگی قانونی به مفهوم اعم را می توان به ۳ دسته تقسیم نمود:

دسته اول: نمایندگی قانونی به معنای اخص که این نوع نمایندگی در قانون تصریح شده است مانند: ولی قهری، نمایندگی وزراء از وزارتخانه، روسای سازمان ها از سازمانها و موسسات و نهادهای انقلابی از این موسسات و نهادها.

دسته دوم: نمایندگی قضایی است که این نوع نمایندگی به موجب رای دادگاه تعیین و اعلام شده است مانند: نمایندگی قیم از صغیر یا مجنون، امین غایب مفقودالاثر، امین عاجز، مدیر تصفیه.

دسته سوم: نمایندگی قراردادی می باشد مانند وکیل از موکل، نمایندگان حقوقی از وزارتخانه ها، موسسات دولتی و ... مطروحه در ماده ۳۲ آ.د.م. که در ماده ۱۷ قانون دیوان عدالت اداری نیز شعب دیوان به شکایاتی رسیدگی می کند که اشخاص ذی نفع، وکیل، قائم مقام یا نماینده قانونی رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.

که در صورتی که دادگاه به خواسته ای رسیدگی کند که برابر قانون درخواست نشده باشد، هم در دیوان عدالت اداری و هم در مراجع قضایی از موجبات اعاده دادرسی است.

🌟🌟🌟 جنون اگر متصل به صغر باشد، نمایندگی پدر از فرزند مجنون، قانونی است ولی اگر جنون متصل به صغر نباشد نمایندگی پدر از صغیر باید به موجب حکم دادگاه باشد بنابراین نمایندگی پدر، قضایی محسوب می شود.

🌟🌟🌟 تکلیف دادگاه در رسیدگی به وجود یا عدم وجود سمت، زمانی به وجود می آید که درخواست را شخص حقیقی اصیل مطرح نکرده و دعوا توسط شخص حقوقی مطرح شده باشد وگرنه در صورتی که اصل دعوا را مطرح نماید، مفهوم سمت در نفع مستغرق است.

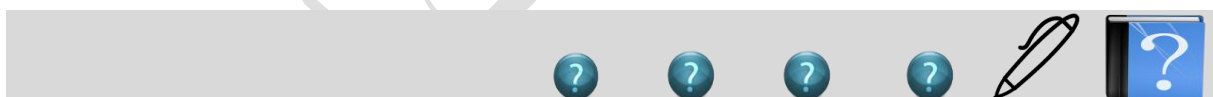
🔔 منجز بودن حق از شرایط اقامه دعوا نیست بلکه از شرایط پیروزی در دعوا می باشد.

🔔 در صورتی که شخص بدون اینکه سمت داشته باشد، اقدام به طرح دعوا نماید، دادگاه قرار رد دعوا صادر می کند.

که نفع باید به وجود آمده و باقی باشد اما در این مورد یک استثنا وجود دارد آن هم ماده ۱۱۴ آ.د.م است که، صدور قرار تامین خواسته نسبت به طلب یا مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن نرسیده، در صورتی که دعوا مستند به سند رسمی و خواسته در معرض تضییع و تفریط باشد پذیرفته شده است.

که نکته اصلی ماده که ذکر نشده است:

- این ماده بیان کننده ی اصل ابتکار عمل بخصوصی در طرح دعوا می باشد که مطابق آن در دعاوی حقوقی برخلاف امور کیفری از آنجا که حق مورد تعرض شخص بوده و متعلق به افراد است، تا زمانی که آن ها (ذی نفع) رسیدگی را درخواست نکنند، دادگاه حق دخالت ندارد مگر در موارد (استثناء) مانند برخی امور حسبی و ورشکستگی



🤔 ۱- دادگاه زمانی می تواند به دعوی رسیدگی کند که:

«قضاوت ۷۸»

(۱) شخص حقیقی یا حقوقی دادخواست راجع به آن دعوی را مطابق مقررات قانون تهیه و تقدیم نماید.

(۲) شخص خواهان ذی سمت دادخواست را با خواسته منجز وفق مقررات قانون تهیه و تقدیم نماید.

(۳) مدعی حق رسیدگی به دادخواست تقدیمی را با رعایت مقررات قانون از دادگاه بخواهد.

(۴) شخص ذینفع رسیدگی به دعوی را مطابق مقررات قانون درخواست کرده باشد.

گزینه ۴ «صحیح است» با توجه به صراحت ماده ۲ آ.د.م که مقرر داشته «هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند» به صحیح بودن گزینه ۴ پی می بریم اما در گزینه ۱ و ۳ که تقدیم دادخواست را مطرح کرده است.

ایراد سایر گزینه ها: در این گزینه های از لفظ **دادخواست استفاده شده است**. همانطور که می دانیم تقدیم دادخواست از شرایط شروع به رسیدگی است که در ماده ۴۸ آ.د.م آمده است. علت دیگر نادرستی گزینه ۲ این است که خواهان خود اصیل است بنابراین بحث ذی سمتی مطرح نمی شود.

🌟 **تله تست:** در سوال فوق طراح با زیرکی تمام و استفاده از تله شباهت بین کلمات درخواست و دادخواست و مواد ۲ و ۴۸ ق.آ.د.م سعی

در اشتباه انداختن داوطلب ناآگاه و سطحی نگر دارد. داوطلب آگاه و زیرک با توجه به مطالعه عمیقی که داشته به راحتی این تله را شناسایی و خنثی می‌کند.

🙄 ۲- هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی کند مگر اینکه: «قضاوت ۷۹»

- (۱) شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان دادخواست داده باشند.
- (۲) شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی را درخواست کرده باشند.
- (۳) شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست کرده باشند.
- (۴) دعوی جنبه ترافعی داشته باشد.

گزینه «۳» صحیح است. ر.ک به شرح تست شماره ۱. مضافاً اینکه با توجه به اینکه سوال در آزمون قضاوت طرح شده و آزمون قضاوت نص محور می‌باشد بنابراین کامل‌ترین گزینه، گزینه ۳ می‌باشد که مطابق با نص ماده ۲ آ.د.م است.

🌟 **تله تست:** در این تست طراح همه گزینه‌ها را شبیه به یکدیگر طرح نموده، بنابراین هر گزینه در نگاه اول صحیح به نظر می‌رسد. در مواجهه با این سوالات باید به دنبال گزینه صحیح‌تر باشیم که این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه تسلط بر متن ماده ۲ آ.د.م داشته باشیم. مضافاً در این گونه تست‌ها هر ۴ گزینه را حتماً بخوانید و در نهایت گزینه صحیح‌تر و کامل را انتخاب نمایید.

🙄 ۳- هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی کند: «مشاوران حقوقی ۸۰»

- (۱) مگر این که خواهان یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی رسیدگی به دعوا را با رعایت مقررات خواسته باشد.
- (۲) مگر اینکه خواهان یا فرد ذی سمت از سوی او با رعایت موازین و مقررات جاری اقامه دعوی نموده باشد.
- (۳) مگر این که شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی رسیدگی به دعوی را برابر قانون درخواست نموده باشند.
- (۴) مگر این که شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی یا ذی سمت قانونی از سوی آنان با رعایت کلیه موازین و مقررات جاری دادخواست کامل داده باشند.

گزینه «۳» صحیح است. ر.ک به شرح تست شماره ۱ و ۲

🙄 ۴- نمایندگی پدر از فرزند صغیر، نمایندگی..... و نمایندگی امین عاجز از او نمایندگی..... است. «سراسری ۸۴»

- (۱) قضایی، قانونی (۲) قضایی، انتخابی (۳) قانونی، قضایی (۴) قانونی، انتخابی

گزینه «۳» صحیح است. نمایندگی به ۳ دسته تقسیم می‌شود ۱- **نمایندگی قانونی:** نمایندگی است که در قانون برای اشخاص برقرار شده است مثل نمایندگی پدر از فرزند صغیر خود، بنابراین ایراد گزینه ۱ و ۲ معلوم می‌شود. ۲- **نمایندگی قضایی:** نمایندگی می‌باشد که به حکم دادگاه تعیین و اعلام می‌شود مانند امین عاجز، بنابراین ایراد گزینه ۴ معلوم می‌شود. ۳- **نمایندگی قراردادی:** نمایندگی است که اشخاص با یکدیگر در قالب قرارداد منعقد می‌کنند مانند وکلای دادگستری. انواع نمایندگی قانونی: ۱- نمایندگی ولی خاص (پدر - جد پدری - وصی) ۲- نمایندگی وزرا از وزارتخانه ۳- مدیران شرکت‌ها انواع نمایندگی قضایی: ۱- قیم از صغیر یا مجنون ۲- امین جنین ۳- امین غایب مفقودالاثر ۴- مدیر تصفیه

🌟 **تله تست:** طراح محترم در این تست از تله شباهت بین انواع نمایندگی استفاده کرده است. در تست مزبور طراح با آوردن نمایندگی انتخابی قصد دارد ذهن داوطلب را به این سمت ببرد که احتمالاً نوع خاصی از نمایندگی وجود دارد که به آن نمایندگی انتخابی می‌گویند، در حالیکه همانطور که در شرح تست گفته شد نمایندگی به سه دسته **قضایی، قانونی و قراردادی** تقسیم می‌شود.

🙄 ۵- نمایندگی پدر از فرزند مجنونی که جنون او متصل به صغر باشد نمایندگی..... و نمایندگی قیم از صغیری که ولی خاص ندارد نمایندگی..... است. «آزاد ۸۹ الف»

- (۱) قضایی - قضایی (۲) قانونی - قراردادی (۳) قضایی - قانونی (۴) قانونی - قضایی

گزینه «۴» صحیح است. نمایندگی پدر از فرزند صغیر ۲ حالت دارد: اگر جنون متصل به صغر باشد نمایندگی پدر، نمایندگی قانونی است اما اگر جنون متصل به صغر نباشد نمایندگی پدر از فرزند در این حالت باید با رای دادگاه تعیین و اعلام شود که در این حالت

نماینندگی قضایی محسوب می‌شود، طراح سوال پاسخ نوع نمایندگی جنون متصل به صغر را خواسته بنابراین نمایندگی پدر در این حالت قانونی است، در نتیجه ایراد گزینه ۱ و ۳ معلوم می‌شود. با توجه به اینکه نمایندگی قیم را در هر صورت دادگاه تعیین و اعلام می‌کند لذا این نوع نمایندگی قضایی محسوب شده و ایراد گزینه ۲ نیز مشخص می‌گردد.

😊 ۶- **قیم اتفاقی.....**

«خانواده ۸۸»

(۱) در مقررات جاری تعیین نمی‌شود.

(۲) از جمله در صورتی تعیین می‌شود که صغیر، ولی خاص نداشته باشد.

(۳) از جمله در صورتی تعیین می‌شود که ولی خاص صغیر، در پی حادثه ای فوت کرده یا محجور شده باشد.

(۴) از جمله در صورتی تعیین می‌شود که قیم به ضرر صغیر مرتکب جرم شود و دادستان در جریان نصب قیم باشد.

گزینه «۴» صحیح است. با توجه به ماده ۷۰ قانون آ.د.ک مصوب ۹۲ گزینه ۲ و ۴ صحیح است ولی با عنایت به اینکه سوال در سال ۱۳۸۸ طرح شده است و قانون آ.د.ک مصوب ۷۸ مورد توجه طراح محترم بوده لذا در پاسخنامه سوال گزینه ۴ صحیح اعلام شده است.

کارگاه قانون خوانی

ماده ۳

تکلیف به فصل خصومت

قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه‌ی مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه‌ی سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعا و صدور حکم امتناع ورزند و الاً مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.

تبصره: چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده به شعبه‌ی دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

مواد مرتبط: اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات).



پیش بینی ذهن طراح سوال:

سوالاتی که غالباً از این ماده طرح می‌شود نص محور می‌باشد و بایستی ترتیب استناد رأی صادره به قانون و سپس به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر و اصول حقوقی رعایت گردد که در نکات ذیل به این موضوع اشاره شده است.



نکات نص محور و مفهومی، مهارتی

★★★ قضات دادگاه در وهله اول موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کنند و در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده، یا متعارض باشد یا اصلاً قانونی وجود نداشته باشد، به ترتیب به استناد منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم قضیه را صادر نمایند.

❌ دادگاه بایستی موافق قوانین حکم صادر کند نه رای، زیرا رای اعم از حکم و قرار است که البته منظور ماده رسیدگی های ماهوی است.

★★★ اگر قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند نمی‌تواند خلاف قانون رأی صادر نماید.

❌ مجازاتی که قانونگذار برای مستنکف از احقاق حق در ماده مزبور در نظر گرفته است طبق ماده ۵۹۷ ق.م.ا. سال ۷۵ مرتبه اول از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار به انفسال دائم از شغل قضایی محکوم می‌شود و در هر صورت به تادیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

❌ چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند با صدور قرار امتناع از رسیدگی، پرونده را به شعبه دیگری ارجاع می‌دهد لیکن صدور این قرار موجب مستنکف از احقاق حق شناخته شدن قاضی مجتهد نخواهد بود.

🔔 موارد رد دادرس که در ماده ۹۱ آ.د.م ذکر شده است استثنایی بر تکلیف قانونی دادرس برای رسیدگی به دعا می‌باشد.

★★★ اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه‌ی سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعا و صدور حکم امتناع ورزد.

منظور از «فتاوی معتبر» علاوه بر نظارت فقها شامل دکتربین حقوقدانان نیز می‌شود هرچند واژه «فتوا» بیشتر ظهور در نظارت فقهی دارد.



❓ ۱- آن بخش از حکم که موضوع مورد اختلاف طرفین به موجب آن فصل و اعلام می‌شود: «آزاد۸۳»

(۱) موضوع حکم است. (۲) منطوق حکم است. (۳) اسباب موجهه حکم است. (۴) جهات و موضوع است.

گزینه «۲» صحیح است. حکم دادگاه علاوه بر مقدمه دارای دو بخش مهم و در عین حال متمایز است. نخست: منطوق، نتیجه حکم به مفهوم اخص یا بخش آمره حکم که موضوع مورد اختلاف طرفین به موجب آن فصل و اعلام می‌گردد و دوم اسباب موجهه (ر.ک دکتر عبدالله شمس، جلد ۱ ش ۸۱۹).

ایراد گزینه ۳ و ۴: اسباب موجهه یا جهات حکم دلایل و مدافعات طرفین و استنادات قانون قاضی را در بر می‌گیرد، بنابراین اختلافی حل نمی‌شود.

❖ **تله تست:** در این تست طراح با استفاده از بخش‌های مختلف یک رأی، سوالی از **نظرات دکتربین** مطرح نموده است. در تست مزبور تله تست شباهت بین گزینه‌ها وجود دارد که با کمی دقت در این موضوع متوجه می‌شویم. نص رأی متشکل از ۳ قسمت است ۱- مقدمه حکم: همان مشخصات اصحاب دعوا و موضوع خواسته می‌باشد. ۲- اسباب موجهه: همان دلایل و مدافعاتی است که طرفین برای اثبات یا دفاع به آنها استناد می‌کنند (جهات موضوعی) و استنادات قانونی قاضی (جهات حکمی) ۳- منطوق رأی (نتیجه رأی): دادگاه با استفاده از اسباب موجهه و تطبیق آنها با قانون که در اسباب موجهه ذکر می‌شود، حکم قضیه را صادر می‌کند و نتیجه‌گیری می‌نماید. با توضیحات مزبور می‌توانیم پاسخ صحیح را انتخاب نماییم.

❓ ۲- اگر در ارتباط با دعوی مطروحه حکم قانونی موجود نباشد، قاضی رسیدگی کننده چه تکلیفی دارد؟

«وکالت آذر ۸۷، وکالت آبان ۸۴»

(۱) از نظر قانونی تکلیفی ندارد و می‌تواند دعوی را رد کند.

(۲) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و یا عرف، حکم قضیه را صادر نماید.

(۳) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی حکم قضیه را صادر نماید.

(۴) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر یا عرف مسلم حکم قضیه را صادر نماید.

گزینه «۳» صحیح است. مطابق ماده ۳ آ.د.م، در صورتی که در دعوی مطروحه قانونی وجود نداشته باشد باید به ترتیب ابتدا سراغ منابع معتبر اسلامی رفت و اگر در منابع معتبر اسلامی موضوع طرح شده وجود نداشت به سراغ فتاوی معتبر می‌رویم و باز اگر در فتاوی معتبر هم حکمی نیافتیم به سراغ اصول حقوقی مانند: اصل برائت، اصل اشتغال ذمه و ... که مغایر با موازین شرعی نباشد می‌رویم. در بین گزینه‌ها تنها گزینه ۳ ترتیب را به درستی رعایت کرده و مطابق با نص ماده ۳ آ.د.م است.

❖ **تله تست:** در این تست طراح از تله ترتیب استفاده کرده است، در برخی مواد قانون آ.د.م ترتیب رعایت موضوعی بسیار مهم و حائز اهمیت است که این ترتیب در تست مزبور به کار گرفته شده است، بنابراین دقت داشته باشید که رعایت ترتیب ذیل که عبارتست از: ۱- منابع معتبر ۲- فتاوی معتبر ۳- اصول حقوقی که مغایر با موازین شرع نباشد، در صورتی که قانونی وجود نداشته، یا صریح نباشد یا متعارض باشد بسیار مهم و اساسی است.

❓ ۳- کدام عبارت صحیح است؟ «وکالت آذر ۸۴»

(۱) اگر قانون ساکت باشد قاضی باید بر مبنای فتاوی معتبر حکم صادر کند.

(۲) اگر قانون ساکت باشد قاضی باید بر مبنای فتاوی معتبر و منابع معتبر اسلامی حکم صادر کند.

(۳) اگر قانون ساکت باشد باید بر مبنای عدالت و انصاف حکم صادر کند.

(۴) اگر قانون ساکت باشد قاضی باید بر مبنای فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر اسلام نباشد حکم صادر کند.

گزینه «۴» صحیح است. همانطور که در تست شماره ۲ هم اشاره شد ماده ۳ آ.د.م از جمله موادی هست که بایستی ترتیب رعایت شود با این توضیح، به سراغ ایرادات سایر گزینه‌ها می‌رویم. گزینه ۱ صحیح است ولیکن کامل نیست. در گزینه ۲ ترتیب ماده رعایت نشده است یعنی اول منابع معتبر و سپس فتاوی معتبر و سوم اصول حقوقی باید مورد توجه قرار بگیرد که در گزینه ۲ ابتدا فتاوی معتبر سپس منابع معتبر آمده است. ایراد گزینه ۳ هم که باتوجه به نص ماده ۳ آ.د.م معلوم می‌باشد.

🤔 **۴- هر گاه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، باید:** «سراسری ۸۳»

- (۱) جهت ارجاع پرونده به شعبه دیگر، قرار عدم صلاحیت صادر نماید.
- (۲) جهت ارجاع پرونده به شعبه دیگر، قرار امتناع از رسیدگی صادر نماید.
- (۳) بر اساس نظر اجتهدادی خود اقدام به صدور رای نماید اما این رای قابل نقض می‌باشد.
- (۴) بر اساس نظر اجتهدادی خود اقدام به صدور رای نماید و این رای فقط نزد مجتهد جامع الشرایط قابل شکایت است.

گزینه «۲» صحیح است. قاضی اعم از اینکه مجتهد باشد یا غیرمجتهد باید موافق قوانین رای صادر کند. در صورتی که قاضی مجتهد قانون را خلاف شرع بداند نمی‌تواند مخالف قانون رای صادر نماید و از آن طرف هم اگر موافق قوانین رای صادر کند چون قانون را خلاف شرع می‌داند عملی حرام انجام داده است. با این توضیح ایراد گزینه ۳ و ۴ معلوم می‌شود. ایراد گزینه ۱ در این است که قرار عدم صلاحیت برای زمانی است که دادگاه صالح نباشد اعم از ذاتی یا محلی، بنابراین با توجه به تبصره ماده ۳ و ماده ۹۲ آ.د.م قاضی مجتهد باید قرار امتناع از رسیدگی صادر و پرونده را نزد رئیس شعبه اول جهت ارجاع به شعبه دیگر بفرستد.

🌟 **تله تست:** در این تست طراح محترم از تله شباهت بین گزینه‌ها استفاده نموده است، زیرا در گزینه ۱ از کلمه «قرار عدم صلاحیت» و در گزینه ۲ از کلمه «قرار امتناع از رسیدگی» بهره گرفته است در حالیکه همانطور که می‌دانیم قرار عدم صلاحیت مخصوص مرجع رسیدگی است و قرار امتناع از رسیدگی مخصوص قضات دادگاه‌ها می‌باشد.

🤔 **۵- مطابق قانون آیین دادرسی مدنی چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند چه باید کرد؟ «قضاوت ۷۹»**

- (۱) چون قاضی به تأیید شورای نگهبان رسیده قاضی مجتهد مکلف به رسیدگی و تبعیت از قانون است.
- (۲) در صورت تأیید ادعای قاضی مجتهد توسط مرجع بالا پرونده به دادگاه هم عرض ارسال می‌گردد.
- (۳) قاضی مجتهد می‌تواند به پرونده مطابق فتاوی خود رسیدگی کند.
- (۴) پرونده جهت رسیدگی به شعبه دیگر ارجاع می‌گردد.

گزینه «۴» صحیح است. ر.ک به شرح تست شماره ۴

🤔 **۶- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را مخالف شرع بیابد:** «وکالت آذر ۸۷، آزاد، قضاوت ۸۰»

- (۱) باید بر اساس اجتهد خود رای صادر نماید و رای قطعی است.
- (۲) پرونده به شعبه دیگر جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.
- (۳) باید بر اساس اجتهد خود رای صادر نماید و رای قابل تجدید نظر است.
- (۴) پرونده به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد تا حل اختلاف کند.

گزینه «۲» صحیح است. ر.ک به شرح تست شماره ۴

۷- یافتن جهات حکمی پرونده، در حقوق ایران، به عهده: «آزاد ۸۷»

- (۱) قاضی است و اصحاب دعوی نمی‌توانند آنها را ارائه نمایند.
- (۲) اصحاب دعوی است و قاضی در این خصوص تکلیفی ندارد.
- (۳) اصحاب دعوی است البته اگر وکیل داشته باشد.
- (۴) قاضی است، اما اصحاب دعوی می‌توانند جهات حکمی مورد نظر خود را ارائه نمایند.

گزینه «۴» صحیح است. اسباب یا جهات موجهی رأی اعم از اینکه حقوقی باشد یا کیفری دارای ۲ جنبه است. ۱- جنبه موضوعی یا ماهوی که اصحاب دعوا ارائه می‌دهند (بند ۴ ماده ۱۵۱ آ.د.م) ۲- جنبه حکمی یا قانونی، که توسط دادگاه بایستی کشف شده و با موضوع انطباق

داده شود. البته طرفین دعوا می‌توانند جهات حکمی مورد نظر خود را ارائه نمایند، بنابراین بار اثبات جنبه موضوعی با اصحاب دعواست و یافتن جنبه حکمی با دادرس دادگاه می‌باشد، با این توضیح ایراد گزینه ۲ و ۳ معلوم می‌شود. در برخی از موارد اصحاب دعوا می‌توانند جنبه حکمی را اثبات نمایند مانند: موردی که مستند دعوا قاعده عرفی، قانون خارجی یا مقررات مربوط به احوال شخصیه سایر مذاهب است که در اینصورت اثبات جنبه حکمی با اصحاب دعوا می‌باشد. با این توضیح ایراد گزینه ۱ هم معلوم می‌گردد.

❖ **تله تست:** در این تست طراح از تله استثنائات استفاده کرده است، یافتن اصل بصورت ضمنی در ماده ۳ آ.د.م آمده است اما استثنائات را باید در نظرات دکترین یافت بنابراین توجه داشته باشید که برای پاسخگویی به این سوال تسلط بر نظرات دکترین حائز اهمیت است.

🧐 **۸- در مبحث ادله‌ی دعوی، فرق مسائل موضوعی و مسائل حکمی چیست؟** «سراسری ۷۹»

- (۱) مسائل موضوعی مربوط به قوانین ماهوی است و مسائل حکمی مربوط به قوانین شکلی است.
- (۲) در مسائل موضوعی دادگاه حکم می‌دهد و در مسائل حکمی قرار صادر می‌کند.
- (۳) ورود در مسائل موضوعی، فقط در شان دادگاه‌های تالی است و رسیدگی به مسائل حکمی فقط با دیوان عالی کشور است.
- (۴) اثبات مسائل موضوعی با اصحاب دعوی و اثبات مسائل حکمی با دادگاه است، جز در موارد استثنایی.

گزینه «۴» صحیح است. ر.ک به شرح تست شماره ۷

🧐 **۹- قانونی بودن دادرسی یعنی:** «دکتری اعزام به خارج ۷۶»

- (۱) صلاحیت محاکم را قانون تعیین می‌کند و قاضی باید طبق قانون حکم صادر کند.
- (۲) صلاحیت محاکم را رییس قوه قضاییه تعیین می‌کند و قاضی می‌تواند با توجه به منابع فقهی حکم صادر کند.
- (۳) صلاحیت محاکم را فقیه جامع الشرایط تعیین می‌کند و قاضی باید بر اساس نظر او حکم صادر کند.
- (۴) قاضی محاکم بر اساس متون فقهی و منابع معتبر و فتاوی مشهور باید حکم صادر کند.

گزینه «۱» صحیح است. با توجه به ماده ۲ و ۳ آ.د.م و ماده ۱۲ ق.م.ا ایراد سایر گزینه‌ها معلوم می‌شود.

🧐 **۱۰- قضات دادگاه‌ها در وهله‌ی اول موظفند موافق..... به دعاوی رسیدگی کنند.** «قضات ۸۰»

- (۱) قوانین
- (۲) منابع معتبر فقهی
- (۳) فتاوی معتبر
- (۴) رویه قضایی

گزینه «۱» صحیح است. با توجه به صدر ماده ۳ آ.د.م متوجه می‌شویم که، قضات دادگاه موظفند در وهله اول موافق قانون حکم صادر کنند و در صورتی که در قضیه مطروحه قانونی وجود نداشته باشد یا صریح نباشد یا متعارض باشد آن زمان است که می‌توانند به ترتیب سراغ منابع معتبر اسلامی، فتاوی معتبر و اصول حقوقی بروند. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها مشخص می‌گردد.

❖ **تله تست:** در این تست طراح محترم قصد دارد با آوردن تمام مواردی که امکان استناد به آنها وجود دارد داوطلب را به نوعی در انتخاب پاسخ صحیح مردد نماید اما اگر به فرض سوال دقت شده باشد طراح استناد دادگاه در وهله اول را خواسته است که در ماده ۳ آ.د.م هم قانونگذار مقرر کرده در صورتی که قانون نباشد قاضی می‌تواند به منابع معتبر و فتاوی معتبر اسلامی و اصول حقوقی استناد کند بنابراین توجه داشته باشید **در هر صورت قاضی باید ابتدا به قانون استناد نماید** و سپس به منابع و فتاوی معتبر اسلامی و اصول حقوقی استناد کند.

کارگاه قانون خوانی

ماده ۴

تعیین تکلیف به طور خاص

دادگاه مکلفند در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی حکم صادر کنند.



پیش بینی ذهن طراح سوال:

سوالاتی که غالباً می‌تواند از این ماده طرح گردد نص محور و یا در غالب مثال است که نحوه طرح سوال از این ماده در نکات ذیل بیان شده است.



منظور از تعیین تکلیف بطور خاص، این است که قاضی هر دعوا را قوانین موضوعه تطبیق دهد و به طور خاص راجع به همان موضوع تصمیم گیری نماید. برای مثال اگر دعوا مربوط به دین باشد قاضی نمی تواند بگوید: «هر کس مدیون است باید دین خود را بپردازد» بلکه باید به طور خاص مشخص نماید که آیا مثلاً الف به ب مدیون می باشد یا خیر.

در واقع احکام کلی در قوانین ذکر شده اند و وظیفه ی قاضی تطبیق آنها بر موارد خاص است.

در دیوان عدالت اداری هم شعب دیوان مکلفند در مورد هر شکایت بطور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید بطور عام و کلی حکم صادر کنند.

دادگاه ها و تمام مراجع رسیدگی به اختلاف مکلفند بطور خاص تعیین تکلیف نمایند و هیچ استثنائی هم وجود ندارد.

در صورتی که حکم دعوا به صورت عام صادر شده باشد، در مرجع بالاتر نقض خواهد شد.



«مشاوران حقوقی ۸۱»

۱- دادگاه ها مکلفند:

- (۱) در مورد هر دعوا به دلایل طرفین رسیدگی نموده و به صورت کلی مبادرت به صدور حکم نمایند.
- (۲) به دعوی مطروحه با توجه به مندرجات دادخواست رسیدگی نموده و به صورت عام حکم صادر کنند.
- (۳) به دعوی مطروحه با توجه به نتیجه رسیدگی به دلایل متداعیین رای پرونده را صادر کنند.
- (۴) در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند.

گزینه ۴ صحیح است. با عنایت به ماده ۴ آ.د.م که مقرر داشته «دادگاه ها مکلفند در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید بصورت عام و کلی حکم صادر کنند». با توضیحات ارائه شده، ایراد گزینه ۱ و ۲ روشن می شود.

ایراد گزینه ۳: در این گزینه قاعده کلی بیان شده است در حالیکه طراح از جزئیات اقدام به طرح سؤال نموده است.

*** تله تست:** سوالاتی که در آ.د.م طرح می شود غالباً نص محور است. در این تست طراح به نص قانون توجه دارد اما در گزینه های دیگر اقدام به کلی گویی کرده است. بنابراین نتیجه می گیریم که طراح در این تست از تله نص قانون استفاده کرده است.

«قضاوت ۷۹»

۲- دادگاه ها در امور مدنی مکلفند:

- (۱) در دعوی مطروحه با احراز واقع رای مقتضی صادر و تعیین تکلیف قانونی نمایند.
- (۲) با توجه به خواسته دعوی رسیدگی و با صدور رای تعیین تکلیف قانونی نمایند.
- (۳) در مورد هر دعوی به طور خاص تعیین تکلیف نمایند.
- (۴) در خصوص دعوی مطروحه با احراز واقع و اعلام ختم رسیدگی رای قانونی صادر نمایند.

گزینه ۳ صحیح است. رک به شرح تست شماره ۱.

کارگاه قانون خوانی

ماده



اصل قطعیت آراء

آرای دادگاه ها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدیدنظر باشند.

مواد مرتبط: ماده ۳۳۰ ق.ا.د.م، ماده ۳۳۱، ماده ۳۲۶ ق.ا.د.م و ۳۹ ق.ت.د.ع.ا.



پیش بینی ذهن طراح سوال:

سوالاتی که غالباً از این ماده طرح می گردد مربوط به تجدیدنظر از آرا و همچنین تفاوت بین رأی قطعی و رأی قاطع است که این تفاوت در نکات ذیل بیان می گردد.



رای قطعی با رای قاطع کاملاً متفاوت است بدین صورت که منظور از رای قاطع رأیی است که، با صدور آن تکلیف دعوی مطروحه در آن مرجع تعیین شده و پرونده از آن مرجع خارج می شود اعم از اینکه اختلاف را فصل نموده یا ننموده باشد که ممکن است قابل تجدیدنظر یا واخواهی نیز باشد. اما رای قطعی رأیی است که، دیگر قابل واخواهی و تجدیدنظر نمی باشد.

🌟🌟🌟 علی الاصول برای اینکه بتوانیم رای را اجرا نماییم می بایست رای قطعی شده باشد مگر در برخی از موارد که نیاز به قطعی شدن رای نیست مثل اخراج متصرف عدوانی، حکم ورشکستگی شخص ورشکسته. 🌟🌟🌟
🌟 در امور کیفری اصل بر غیر قطعی بودن آراء می باشد (ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک ۹۲)

🌟🌟🌟 انواع رای در توضیحات ماده ۲۹۹ همین مجموعه بطور کامل توضیح داده شده است. 🌟
🌟 به موجب این ماده رسیدگی به هر دعوی یک مرحله ای بوده و رسیدگی دو مرحله ای خلاف اصل محسوب می شود و نیاز به تصریح قانونگذار دارد. (هرچند با توجه به استثنائاتی که در ماده ۳۳۱ آ.د.م آمده است، نشان دهنده عکس بودن این اصل می باشد چون دایره استثناء از دایره مستثنی منه بسیار بیشتر است و قانونگذار به دلیل معذوریت شرعی این اصل را بدین گونه بیان کرده است. در واقع هرچند در ظاهر اصل بر قطعیت است ولی در واقع اصل بر قابل تجدیدنظر بودن آراء است.)

🌟🌟🌟 آرای دادگاه ها اعم از حکم یا قرار است، خواه در امور حسبی یا در امور ترافعی صادر شده باشد.



🤔 ۱- رای قاطع رأیی است که از جمله، پرونده از مراجع صادر کننده آن خارج شود: «آزاد۸۳»

(۱) در صورتی که اختلاف را فصل نموده و قابل شکایت نباشد.

(۲) در صورتی که اختلاف را فصل نموده حتی اگر قابل شکایت باشد.

(۳) در صورتی که قابل شکایت نباشد، حتی اگر اختلاف را فصل ننماید.

(۴) حتی اگر اختلاف را فصل ننموده و قابل شکایت باشد.

گزینه «۴» صحیح است. منظور از رای قاطع رأیی است که، با صدور آن تکلیف دعوی مطروحه در آن مرجع تعیین شده و پرونده از آن مرجع خارج می شود اعم از اینکه اختلاف را فصل نموده یا ننموده باشد با این توضیح ایراد گزینه ۱ و ۲ مشخص می شود و تفاوتی ندارد که در پی شکایت (واخواهی، تجدیدنظر و...) رای مزبور قابل بررسی دوباره در همان مرجع صادرکننده رای و یا مرجع دیگری باشد یا نباشد. با این توضیح ایراد گزینه ۳ مشخص می شود. (ر.ک دکتر عبدالله شمس. ج. ۲. ش ۴۱۸) بنابراین رای قاطع رأیی است که ممکن است قابل شکایت باشد. با این توضیحات ایراد سایر گزینه روشن می شود.

🌟 **تله تست:** همانطور که در زیرنویس ماده ۵ ذکر کردیم، غالب سوالاتی که از ماده ۵ طرح می گردد تفاوت های بین رأی قاطع و رأی قطعی است، بنابراین طراح در این سوال به خوبی از شباهت لفظی که این دو واژه با یکدیگر دارند استفاده کرده است اما باید توجه داشت که رأی قطعی یعنی رأیی که قابل شکایت (تجدید نظر و واخواهی) نباشد اما رای قاطع یعنی رأیی که می تواند قابل تجدید نظر و واخواهی باشد.

🤔 ۲- حکم صادره از دادگاه عمومی (در مرحله بدوی) قطعی است یا خیر؟ «سراسری ۷۹»

(۱) موکول به نظر دادگاه است.

(۲) در صورتی که قابل تجدید نظر نباشد، قطعی است.

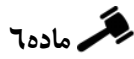
(۳) قطعی است.

(۴) قطعی نیست.

گزینه «۲» صحیح است. ماده ۵ آ.د.م مقرر می کند «آرای دادگاه قطعی است...» و ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م موارد تجدیدنظر را بیان کرده است. ایراد گزینه ۱ و ۴ روشن می شود، گزینه ۲ غلط نمی باشد به این دلیل غلط است که به طور مطلق تمام احکام صادره از دادگاه های عمومی را قطعی اعلام کرده است.

❖ **تله تست:** در این تست طراح محترم قصد دارد با آوردن گزینه‌های شبیه با یکدیگر داوطلب را در انتخاب گزینه صحیح بین چند گزینه قرار دهد.

کارگاه قانون خوانی



مؤثر نبودن قراردادهای مخل نظم عمومی و اخلاق حسنه

عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.

مواد مرتبط: ماده ۹۷۵ ق.م.



پیش بینی ذهن طراح سوال:

سوالاتی که از این ماده مطرح می‌شود معمولاً با ضمانت اجرای بند ۸ ماده ۸۴ آ.د.م که صدور قرار رد دعوی است، (مطابق ماده ۸۹ آ.د.م) همراه می‌باشد. بنابراین لازم است ماده ۶ همراه با بند ۸ ماده ۸۴ آ.د.م و ماده ۸۹ آ.د.م مطالعه شود.



نکات نص محور و مفهومی ، مهارتی

منظور از اخلاق حسنه عبارت است از موازین اخلاقی که از نظر متعارف مردم، یک قوم یا سکنه یک کشور نقض آن راه ناپسند بدانند مثلاً اگر در نکاح شرط کنند که مادر شوهر نباید به خانه زوجین رفت و آمد کند این شرط خلاف اخلاق حسنه کشور ماست (ر.ک دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط، ج ۱ و ج ۵، ص ۲۱۹ و ۳۶۵۳).

منظور از نظم عمومی، مجموعه تاسیسات حقوقی و قوانین وابسته به حسن جریان امور لازم مربوط به اداره کشور و یا راجع به صیانت امنیت و اخلاق در روابط بین مردم می‌باشد که تراضی خلاف جهت آنان محال و بلا اثر است.

منظور از قابل ترتیب اثر نبودن در ماده مذکور به این معنا نمی‌باشد که دادگاه این نوع دادخواست را نمی‌پذیرد بلکه در واقع چون مورد دعوا مشروع نیست، در مواجهه با این نوع دعاوی مطابق بند ۸ ماده ۸۴ آ.د.م و ماده ۸۹ همان قانون، قرار رد دعوا صادر می‌کند مثل: مطالبه وجه چکی که ناشی از قمار است، یا درخواست اجرای قراردادی که جهت آن نامشروع است. ولی اگر دعوا استرداد وجه چک ناشی از قمار باشد دعوا شنیده شده و حکم علیه خوانده هم صادر می‌شود.

وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است. پس اگر درخواست اجرای این نوع وقف شود، دعوا طبق بند ۸ ماده ۸۴ و ماده ۸۹ آ.د.م رد می‌شود. رای که براساس قرارداد خلاف اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا قانون صادر شود، قابلیت نقض در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوانعالی کشور را دارد.



☹️ **۱- عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی است در..... قابل ترتیب اثر نیست.** «قضاوت ۸۰»

(۱) دفتر کل (۲) دادگاه (۳) مرجع داور (۴) مورد طرفین

گزینه «۲» صحیح است. مطابق با ماده ۶ آ.د.م که مقرر داشته «عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست» ایراد گزینه ۴ روشن می‌شود.

ایراد گزینه ۱: دفتر کل تنها مرجع ثبت دادخواست است بنابراین حتی اگر در زمان ثبت به این موضوع هم پی ببرد حق ندارد دادخواست را نپذیرد بلکه باید آن را ارجاع دهد.

ایراد گزینه ۳: در صورتی که قراردادی مخالف نظم عمومی باشد ماده ۶ آ.د.م صراحت دارد که در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست بنابراین اشاره‌ای به مرجع داور ندارد.

❖ **تله تست:** طراح محترم در تست مزبور با آوردن گزینه ۱ و ۲ و ۳ که هر سه در سیستم قضایی هستند قصد دارد داوطلب را در

میان این سه گزینه به شک و تردید بیاندازد اما با کمی دقت در متن ماده ۶ آ.د.م متوجه می شویم که دفتر کل نمی تواند مرجع تشخیص اینکه آیا دعوا موافق یا مخالف نظم عمومی است، باشد. بنابراین بین دو گزینه ۲ و ۳ تردید به وجود می آید که همانطور که گفته شد چون ماده فوق الذکر به صراحت به دادگاه اشاره کرده است لیکن گزینه ۲ را بعنوان گزینه صحیح انتخاب می نماییم.

کارگاه قانون خوانی

ماده ۷

شرط رسیدگی در مرحله بالاتر

به ماهیت هیچ دعوایی نمی توان در مرحله ی بالاتر رسیدگی نمود تا زمانی که در مرحله ی نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون.

مواد مرتبط: ماده ۱۳۰ و ۱۳۵ ق.ا.د.م.



پیش بینی ذهن طراح سوال:

علاوه بر عبارات متن ماده از استثنائات وارده بر این ماده نیز ممکن است سوال مطرح شود که از آن جمله می توان به ورود ثالث و جلب ثالث اشاره نمود.



نکات نص محور و مفهومی ، مهارتی

❖ ممنوعیت رسیدگی در دادگاه با درجه بالاتر به خاطر آن است که صلاحیت دادگاه عالی (بالاتر) نسبت به دادگاه تالی (پایین تر) ذاتی است .
❖ منظور از مرحله بالاتر مرحله تجدیدنظر و فرجام می باشد.
❖ فقط به دو دعوای ورود ثالث و جلب ثالث می توان در مرحله بالاتر رسیدگی کرد بدون اینکه در مرحله پایین تر نسبت به آنها حکمی صادر شده باشد. (مواد ۱۳۰ و ۱۳۵ ق.ا.د.م)
❖ طرح دعوای متقابل و اضافی در مرحله تجدیدنظر اگر در مرحله بدوی به آن رسیدگی نشده باشد، ممنوع است .
❖ در مرحله فرجام طرح هیچ یک از دعوای طاری امکان پذیر نیست مگر اینکه رای نقض شود و پرونده به دادگاه دیگری ارجاع شود که در اینصورت در دادگاه مرجوع الیه تنها طرح دعوای ورود ثالث مجاز است .
❖ هیچ کس نمی تواند در مواردی که قانون یک درجه رسیدگی قائل شده است، درخواست دو درجه نماید ولی مانعی ندارد که یکی از اصحاب دعوا از حق خود نسبت به رسیدگی درجه دوم صرف نظر کند یا این که طرفین کتباً تراضی نمایند که دعوای آنان فقط در درجه ی نخستین و بدون تجدیدنظر رسیدگی شود.

کارگاه قانون خوانی

ماده ۸

ممنوعیت در تغییر حکم

هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره ی دولتی نمی تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد.

مواد مرتبط: ماده ۴۰ ق.ا.ج



پیش بینی ذهن طراح سوال:

اصولاً سوالاتی که از این ماده می تواند مطرح گردد استثنائات قاعده فراغ دادرس است که انواع این استثنائات را می توان در نکات ذیل یافت.



نکات نص محور و مفهومی ، مهارتی

❖ ماده مذکور قاعده فراغ دادرس را مطرح می سازد یعنی دادرس پس از صدور رای حق تغییر آن را ندارد مگر در موارد ذیل :
۱- تصحیح حکم ۲- تفسیر حکم در صورت ابهام یا اجمال داشتن

❖ طبق ماده مذکور مواردی که دادگاه صادر کننده رای می تواند حکم خود را تغییر دهد عبارت است از :

الف - هر گاه رای غیابی بوده و از آن واخواهی شود، دادگاه صادر کننده رای می تواند دوباره به دعوا رسیدگی کرده و رای خود را تغییر دهد.
ب - هر گاه شخص ثالث نسبت به رای صادره اعتراض ثالث نماید ذمه دادگاه صادر کننده رای دوباره مشغول شده، بنابراین می تواند رایی که خود صادر کرده است را تغییر دهد.

پ - هر گاه یکی از اصحاب دعوا از حکم صادر شده اعاده دادرسی نماید دادگاه صادر کننده حکم قطعی می تواند رای خود را تغییر دهد.

❏ مواردی که مرجع بالاتر می تواند حکم دادگاه را تغییر دهد عبارت است از:

- در صورتی که رای قابل تجدیدنظر باشد دادگاه تجدید نظر که مرجع بالاتر می باشد می تواند رای دادگاه بدوی را تغییر دهد.

- در صورتی که رای قابل فرجام خواهی باشد دیوانعالی کشور که مرجع بالاتر می باشد می تواند رای دادگاه بدوی را تغییر دهد.

❏ مواردی که دادگاه صادر کننده رای می تواند از اجرای آن جلوگیری کند عبارت است از:

- قرار قبول دادخواست واخواهی مانع از اجرای حکم است .

- در صورتی که از حکم قطعی اعاده دادرسی شود چنانچه محکوم به غیر مالی باشد اجرای حکم متوقف می شود .

❏ مواردی که مرجع بالاتر می تواند از اجرای حکم جلوگیری کند عبارت است از:

- تجدید نظر خواهی مانع از اجرای حکم است .

❏ منظور از مقام رسمی، اعم از مقام دادگستری و سایر مقام های مملکتی بوده، به بیان دیگر کسی که با احراز شرایط قانونی و با صدور حکم، تصدی مقامی را عهده دار شده و وظایف و تکالیفی بر عهده وی گذاشته می شود را مقام رسمی می گویند.

❏ نظریه مشورتی شماره ۷/۳۸۰۵ مورخ ۸۲/۵/۵: «حکمی که از سوی دادگاه صالح صادر و قطعی گردیده است، باید مطابق مقررات قانون اجرای احکام مدنی به موقع اجرا گذاشته شود و به موجب ماده ۸ ق.آ.د.م هیچ مقام رسمی و یا سازمان دولتی نمی تواند حکم دادگاه را تغییر و یا از اجرای آن ممانعت نماید مگر دادگاه صادرکننده حکم یا مرجع قضایی بالاتر، آن هم در شرایطی که قانون معین نموده باشد و ضمانت اجرای حکم این ماده در مواد ۵۷۶ و ۵۷۷ ق.م.ا تعیین گردیده است.



🧐 ۱- اگر دادگاه نسبت به ادعای خسارت رای صادر ننموده باشد..... «آزاد ۸۹ الف»

(۱) دادگاه باید رای صادر نماید.

(۲) از موارد تصحیح حکم است.

(۳) دادگاه فارغ است.

(۴) از موارد اعاده دادرسی است.

گزینه «۳» صحیح است. در صورتی که قاضی نسبت به دعوایی رای صادر کرده باشد از رسیدگی فارغ می شود و مطابق ماده ۸ آ.د.م دیگر نمی تواند هیچ تغییری در آن بدهد. با توجه به اینکه قاضی نسبت به خسارت اقدامی نکرده است بنابراین پس از صدور رای دیگر نمی تواند نسبت به خسارت رسیدگی مجدد کند و مطابق با یک قاعده کلی که بیان می دارد: تغییر رای پس از صدور آن علی الاصول ممنوع است، ولی تصحیح رای پس از صدور علی الاصول مجاز است. با این توضیح ایراد گزینه ۱ و ۲ معلوم می شود. اما گزینه ۴ به این علت اشتباه است که اعاده دادرسی از استثنائات قاعده فراغ دادرسی می باشد در حالیکه عدم تغییر در حکم از آثار قاعده فراغ دادرسی است.

🌟 **تله تست:** در این تست طراح محترم از تله شباهت مفهومی بین گزینه ها استفاده کرده است. در تست مزبور با آوردن دو گزینه تصحیح حکم و اعاده دادرسی قصد منحرف کردن ذهن داوطلب از قاعده فراغ دادرسی را دارد. اما با کمی دقت در شرح تست می توانیم پاسخ صحیح را انتخاب نماییم، زیرا می دانیم که تصحیح حکم زمانی مجاز است که تصحیح منجر به تغییر حکم نشود در حالیکه در فرض سوال اگر دادرسی بخواهد نسبت به خسارت، حکم صادر نماید تغییر محسوب می گردد.

در مورد اعاده دادرسی هم زمانی شخص می تواند اعاده دادرسی نماید که یکی از جهات ماده ۴۲۶ آ.د.م وجود داشته باشد حال آنکه هیچ کدام از آن جهات در فرض سوال وجود ندارد. بنابراین شخص برای دریافت خسارت باید مجدداً اقامه دعوی مطالبه خسارت نماید.

🧐 ۲- **دعوی اعلام بطلان و ابطال سند رسمی، دعوایی است که.....** «سراسری ۸۹»

(۱) در هر حال شنیده می شود.

(۲) شنیده نمی شود.

(۳) شنیده می شود مگر این که «سند رسمی»، رای دادگاه باشد. (۴) شنیده می شود مگر این که «سند رسمی»، سند لازم الاجرا نباشد.

گزینه «۳» صحیح است.

ایراد گزینه ۲: یکی از ویژگی‌هایی که رای صادره از دادگاه دارد این است که رای غیر قابل ابطال است، بنابراین دعوای ابطال سند رسمی شنیده می‌شود.

ایراد گزینه ۴: اگر سند رسمی رای دادگاه باشد دعوای ابطال شنیده نمی‌شود و تنها طریقی که می‌توان اعلام بطلان رای دادگاه را خواست طرح شکایاتی است که در قانون پیش‌بینی شده است مثل: تجدیدنظر، فرجام و

🙄 **۳- هرگاه پس از صدور حکم، دادگاه پی به اشتباه خود ببرد:** «آزاد۸۸»

(۱) نمی‌تواند آن را تغییر دهد اما اگر تصمیم حسبی باشد، و چنانچه قابل تجدید نظر نباشد، می‌توان آن را تغییر دهد.

(۲) می‌تواند آن را تغییر دهد و اگر تصمیم حسبی باشد حتی اگر قابل تجدید نظر باشد می‌تواند.

(۳) نمی‌تواند آن را تغییر دهد اما اگر تصمیم حسبی باشد در هر حال می‌تواند.

(۴) می‌تواند آن را تغییر دهد اما اگر تصمیم حسبی باشد نمی‌تواند.

گزینه «۱» صحیح است. اصل بر این است که پس از صدور رای نمی‌توان آن را تغییر داد پس ایراد گزینه ۲ و ۴ معلوم می‌شود در امور حسبی و مطابق ماده ۴۰ ق.ا.ج هرگاه دادگاه راساً یا برحسب تذکر به خطای تصمیم خود برخورد در صورتی که آن تصمیم قابل پژوهش (تجدیدنظر) نباشد می‌تواند آن را تغییر دهد، با این توضیح ایراد گزینه ۳ نیز روشن می‌شود.

کارگاه قانون خوانی

ماده ۹



عطف اثر فوری مقررات آیین دادرسی مدنی

رسیدگی به دعوایی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می‌یابد.

آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدید نظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد مگر اینکه آن قوانین، خلاف شرع شناخته‌شود.

نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاهها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است به ترتیب مقرر در این قانون عمل می‌شود.

مواد مرتبط: ماده ۴ ق.م و ماده ۳۷۲ ق.ا.د.م



پیش بینی ذهن طراح سوال:

اغلب سوالاتی که از این ماده طرح می‌شود عبارت است از: ۱- قابلیت شکایت از رای، تابع چه قانونی است. ۲- رسیدگی به قرار عدم صلاحیت مطابق چه قانونی می‌باشد. در نکات ذیل صور مختلف موارد فوق بیان شده است.



نکات نص محور و مفهومی، مهارتی

❌ اصل، عطف به ماسبق نشدن قوانین است (ماده ۴ ق.م) اما در قانون آ.د.م که یک قانون شکلی است و عطف به ماسبق می‌شود یا بنا به قول دیگر به دلیل فوری بودن شامل دعوای مطروحه نیز می‌گردد بر این اصل استثنائاتی وارد شده است.

🔒 اصل بر آن است که مقررات آ.د.م فوراً اجرا شود اما استثنائاتی هم در این زمینه وجود دارد مانند قوانین اصلاح کننده صلاحیت، قوانین مربوط به مواعد، قوانین مربوط به اعتراض .

🔒 اینکه آیا رای صادره قابل اعتراض (واخواهی) تجدیدنظر و فرجام است، قانون زمان صدور رای ملاک و معیار قرار می‌گیرد بنابراین اگر حتی در زمان تقدیم دادخواست دعا قابل تجدیدنظر و فرجام باشد اما در زمان صدور رای این قابلیت را از دست بدهد رای صادره غیر قابل اعتراض، تجدیدنظر و فرجام است .

🌟🌟🌟 مقررات لاحق در دیوانعالی کشور مورد عنایت قرار نمی‌گیرد اما چنانچه رای نقض شود و پرونده به دادگاه دیگری ارجاع شود دادگاه مرجوع الیه مکلف به اجرای مقررات جدید می‌باشد .

🌟🌟🌟 چنانچه رای صادره با قوانین حاکم در زمان صدور آن مخالف نباشد، نقض نمی‌گردد. (م ۳۷۲ ق.ا.د.م)

چنانچه در زمان مطرح بودن امری در دیوانعالی کشور یکی از مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای خاص لازم‌الاجرا گردد که در زمان صدور رأی فرجام خواسته لازم‌الاجرا نبوده، در دیوانعالی کشور مورد عنایت قرار نمی‌گیرد اما چنانچه رأی نقض شود دادگاه مرجوع‌الیه مکلف به اجرای مقررات جدید می‌باشد.



۱- حکمی از دادگاه عمومی صادر شده که، با توجه به مقررات حاکم در زمان صدور آن غیر قابل فرجام و با توجه به مقررات حاکم در زمان ابلاغ آن قابل فرجام است. فرجام خواهی محکوم علیه نسبت به این حکم قانوناً: «وکالت ۸۳»

(۱) ممکن نیست

(۲) ممکن است.

(۳) بستگی به مقررات فعلی دارد.

(۴) بستگی به نظر ریاست دیوان عالی کشور دارد.

گزینه «۱» صحیح است. مطابق با قسمت دوم ماده ۹ آ.د.م که مقرر داشته «آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد مگر اینکه آن قوانین، خلاف شرع شناخته شود» و ماده ۳۷۲ همان قانون «چنانچه رأی صادره با قوانین حاکم در زمان صدور آن مخالف نباشد، نقض نمی‌گردد» ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌شود. بنابراین برای اینکه رأی قابلیت شکایت داشته باشد باید به قانون زمان صدور توجه کنیم، و قانون زمان تقدیم دادخواست، رسیدگی و ابلاغ رأی موثر نمی‌باشد.

* **تله تست:** طراح در این سوال در سه گزینه از فعل مثبت استفاده کرده است و در هر سه گزینه ۲، ۳ و ۴ به نحوی فرجام خواهی را پذیرفته است، در حالیکه باید توجه داشت طبق ماده ۹ اگر در زمان صدور رأی، قابلیت فرجام خواهی وجود داشته باشد باید فرجام خواهی را پذیرفت که در فرض سوال رأی در زمان صدور این قابلیت را نداشته است.

۲- آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدید نظر و فرجام، تابع چه قانونی است؟ «وکالت آذر ۸۷»

(۱) قانون مجری در زمان صدور آنان، مگر اینکه آن قوانین خلاف شرع شناخته شود.

(۲) قانون زمان تقدیم دادخواست بدوی

(۳) قانون زمان اعتراض یا تجدید نظر یا فرجام

(۴) قانون لاحق

گزینه «۱» صحیح است. ر.ک به شرح تست شماره ۱

۳- هر گاه پس از صدور رأی فرجام خواسته، قانونی که در رأی مورد استناد قرار گرفته تغییر پیدا کند دیوان عالی کشور به قانون لاحق.....

«سراسری ۸۶»

(۱) در صورتی توجه می‌کند که حکم باشد.

(۲) در صورتی توجه می‌کند که قرار باشد.

(۳) توجه می‌کند، تفاوتی نمی‌کند که حکم یا قرار باشد.

(۴) توجه نمی‌کند، تفاوتی نمی‌کند که حکم یا قرار باشد.

گزینه «۴» صحیح است.

ایراد سایر گزینه‌ها: دیوانعالی کشور اختلاف را مورد قضاوت قرار نمی‌دهد بلکه رأی (حکم - قرار) فرجام خواسته را با توجه به مقررات لازم الاجرای زمان صدور آن مورد قضاوت قرار می‌دهد، بنابراین مقررات لاحق در دیوانعالی کشور مورد عنایت قرار نمی‌گیرد. اما چنانچه رأی نقض شود، دادگاه مرجوع‌الیه مکلف به اجرای مقررات جدید خواهد بود (ر.ک دکتر عبدالله شمس ج. ۱، ش ۱۷)

کارگاه گزینه‌یابی

در صورتی که در مواردی ترتیب خاصی تعیین نشده باشد، رسیدگی به دعوی بازگانی در دادگاه‌های عمومی برابر با مقررات قانون آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید.

مرجع رسیدگی به دعای تجاری، مدنی و امور حسبی، دادگاه‌های عمومی است و روش رسیدگی به آن‌ها، برابر قانون آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود.

مقررات آیین دادرسی به معنای اخص، از قواعد آمره است. برای مثال توافق برخلاف مهلت تجدیدنظر نسبت به حکم دادگاه عمومی که برای اشخاص مقیم ایران پیست روز است، ممکن نخواهد بود.

دسته‌بندی‌های مختلف مقررات آیین دادرسی مدنی:

الف) مقررات مربوط به سازمان قضای: از قواعد آمره بوده که در نکته‌ی بعدی راجع به اثر فوری آنها آمده و مقرر کرده توافق برخلاف آن‌ها بی‌اثر است.

ب) مقررات مربوط به صلاحیت: مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی، از قواعد آمره است؛ اما مقررات مربوط به صلاحیت نسبی، علی‌الاصول در شمار قوانین مخیره است.

دادگاه تجدیدنظر استان نمی‌تواند با شرکت کم‌تر از دو قاضی رسیدگی کند و حتی اگر اصحاب دعوا در این خصوص توافق قبلی نموده باشند. بنابراین تعداد قضات در دادگاه تجدیدنظر از قواعد آمره محسوب می‌شود؛ لذا توافق خلاف آن‌ها باطل و بلااثر می‌باشد.

مقررات مختلف آیین دادرسی مدنی از جهت اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین:

الف) مقررات مربوط به سازمان قضای: این مقررات عطف به ماسبق می‌شوند.

ب) مقررات مربوط به صلاحیت: قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی، عطف به ماسبق می‌شوند. ولی صلاحیت نسبی علی‌الاصول عطف به ماسبق نمی‌شوند.

ج) مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص: اصولاً عطف به ماسبق می‌شوند؛ مگر در مواردی که عطف به ماسبق نمودن آن‌ها، به حقوق مکتسبه افراد خلل وارد کند.

در رسیدگی به درخواست صدور گواهی انحصار وراثت، دادرسی در صورتی می‌تواند اعتراض نماید که متوفی را بلاوارث تشخیص دهد.

طبق ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، آراء وحدت رویه عمومی دیوان فقط به موجب قانون یا رای وحدت رویه موخر بی‌اثر می‌شود.

طبق ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی کند، مگر این که شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند. بنابراین دادگاه در صورتی می‌تواند به دعوی رسیدگی کند که شخص ذی‌نفع رسیدگی به دعوی را مطابق مقررات قانون درخواست کرده باشد که این ماده اصل ابتکار عمل خصوصی در طرح دعوی حقوقی را بیان می‌کند.

۸ اقسام نمایندگی:

الف) نمایندگی قانونی: نمایندگی است که در قانون برای اشخاص تعیین شده است. مثل نمایندگی پدر از فرزند صغیر خود.

ب) نمایندگی قضایی: نمایندگی است که به حکم دادگاه تعیین می‌شود. مثل نمایندگی قیم از صغیر یا مجنون.

ج) نمایندگی قراردادی: نمایندگی است که اشخاص با یکدیگر در قالب قرارداد منعقد می‌کنند. مثل نمایندگی وکلای دادگستری.

هر حکم از سه بخش تشکیل شده است: ۱- مقدمه ۲- اسباب و جهات موجهی حکم ۳- منطوق یا نتیجه حکم

آن بخش از حکم که موضوع مورد اختلاف طرفین به موجب آن فصل و اعلام می‌شود، منطوق حکم است.

رسیدگی به دعوا وظیفه قضات است و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند؛ والا مستتکف از احقاق حق شناخته شده و مجازات خواهند شد. بنابراین اگر در ارتباط با دعوی مطروحه حکم

قانونی موجود نباشد، قاضی ابتدا باید به منابع معتبر رجوع کند و در صورتی که نتواند موضوع مطروحه را در منابع معتبر اسلامی بیابد، سراغ فتاوی معتبر باید برود و اگر هم چنان در فتاوی معتبر هم حکمی نیافت به اصول حقوقی مثل اصل برائت و... که مغایر با موازین شرعی نباشد باید رجوع کند.

در صورتی که قاضی رسیدگی کننده مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، باید پرونده را با صدور قرار امتناع از رسیدگی به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع بدهد.

اسباب و جهات موجهه‌ی حکم (حقوقی یا کیفری) دو جنبه دارد. الف) جنبه موضوعی (ماهوی): اصحاب دعوا ارائه می کنند. ب) جنبه حکمی (قانونی): توسط دادگاه کشف می شود. البته اصحاب دعوا می توانند جهات حکمی مورد نظر خود را به دادگاه ارائه نمایند. بنابراین یافتن جنبه موضوعی وظیفه اصحاب دعوا است و یافتن جنبه حکمی با قاضی (دادرس) می باشد.

۱۵- دادگاه‌ها در امور مدنی مکلف اند، با توجه به خواسته دعوی، رسیدگی و با صدور رأی، تعیین تکلیف قانونی نمایند.

۸- اقسام رأی:

الف) رأی قطعی: رأیی که قابل شکایت از طریق هیچ یک از طرق شکایت عادی (واخواهی - تجدیدنظر) نباشد.

ب) رأی قاطع: رأیی است که پرونده از مرجع صادرکننده خارج شده است که می تواند قطعی یا غیرقطعی باشد.

ج) رأی نهایی: رأیی که به هر علت قابل فرجام نباشد.

د) رأی لازم الاجرا: رأیی که در صورت عدم اجرا به زور قوه قهریه به محکوم علیه تحمیل می شود.

طبق ماده ۵ آئین دادرسی مدنی، قانون گذار اصلی را تحت عنوان اصل قطعیت انشاء نموده است و به موجب این اصل آرای

دادگاه ها قطعی و غیرقابل شکایت هستند ولی در عمل اکثر آراء قابل تجدیدنظر می باشند.

عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی است فقط در دادگاه (نه مرجع داوری) قابل ترتیب اثر نیست.

هرگاه دادرس رأی را صادر می کند، حق ندارد نسبت به آن دخل و تصرفی کرده یا تغییراتی بدهد. دادرس پس از صدور حکم حتی

با رضایت اصحاب دعوا نمی تواند رأی خود را تغییر بدهد دادگاه فقط هنگامی می تواند حکم صادره‌ی خود را تغییر دهد که این امر در

قانون پیش بینی شده باشد.

آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قانون مجری در زمان صدور آنان است. مگر این که آن قوانین

خلاف شرع شناخته شود.

هرگاه پس از صدور رأی فرجام خواسته، قانونی که در رأی مورد استناد قرار گرفته تغییر پیدا کند دیوان عالی کشور به قانون لاحق

توجهی نمی کند، تفاوت نمی کند حکم یا قرار باشد.

در آینه نمودار

تعریف ماده ۱ ق.ا.ح امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آنها باشد، مانند صدور حکم حجر، تعیین قیم و ...

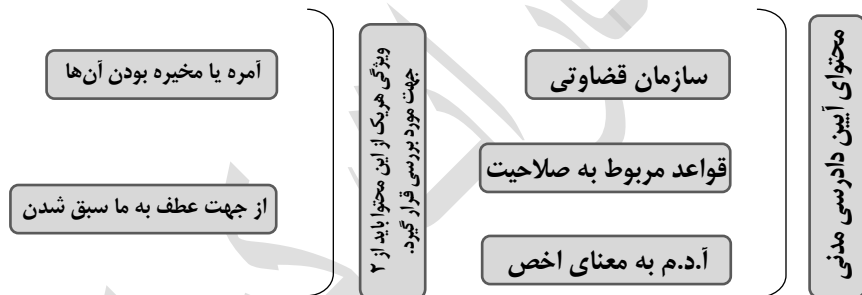
رعایت آدم لازم نیست بلکه در رسیدگی به آن دسته از امور مدنی باید لازم باشد که رسیدگی به آن‌ها متوقف. وقوع منازعه و اختلاف باشد.

استفاده از آدم در امور حسبی

آدم در امور حسبی چقدر رعایت می‌شود؟ مقررات آیین دادرسی مدنی در مواردی که در قانون ا.ح به قانون آدم ارجاع داده باشد در امور حسبی نیز لازم‌الرعایه می‌باشد و در سایر موارد ترتیبات امور حسبی به عنوان قانون خاص الزامی باشد (مثل نیابت قضایی - حدوث اختلاف در صلاحیت) (مقایسه‌ی ماده ۱ ق.آ.د.م با ماده ۲ ق.ا.ح)

ادامه ماده ۱: آیین دادرسی مدنی در و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌ها و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

سایر مراجع: منظور از مواردی است که در قوانین دیگر تصریح شده است مثلاً در ماده ۱۵ آ.د.ک می‌خوانیم «مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مستلزم رعایت تشریفات آ.د.م است.»



امره می‌باشند بنابراین توافق خلاف آن‌ها باطل است (بعنوان مثال قضات دیوان باید ۳ نفر باشند ولی اگر از ۲ قاضی تشکیل شده و منجر به صدور رای شود، این رای قانونی نیست حتی اگر طرفین توافق نموده و یا در برابر آن سکوت نمایند.

عطف به ما سبق می‌شوند یعنی شامل دعاوی مطروحه نیز می‌گردد - اثر فوری دارد.

الف: سازمان قضای

ذاتی ۱- امره است. ۲- لازم نبودن ایراد و قابلیت طرح در تمام مراحل و مقاطع دادرسی - عطف به ما سبق می‌شود یعنی شامل دعاوی مطروحه نیز می‌گردد (اگر پرونده‌ای در دادگاه عمومی در حال رسیدگی است و قانون تغییر کند و در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گیرد بایستی پرونده با صدور قرار عدم صلاحیت به دادگاه انقلاب فرستاده شود و اگر در صلاحیت مراجع غیرقضایی مثل اداره ثبت قرار گیرد بایستی به دیوانعالی جهت تعیین مرجع صالح فرستاده شود.

ب: قواعد مربوط به صلاحیت (مواد ۱۰ به بعد توضیح داده می‌شود)

محلی مخیره است - عطف به ما سبق نمی‌شود و چون اثر فوری ندارند شامل دعاوی مطروحه نمی‌گردند مگر در خود قانون یا قانون دیگری ترتیب دیگری مقرر شود.

این مقررات اصولاً از قواعد امره محسوب می‌شوند (مثلاً نمی‌توان با توافق مهلت تجدیدنظر را افزایش داد) علی‌الاصول عطف به ماسبق می‌شوند مگر به حقوق مکتسبه افراد خلل وارد آید.

ج: آدم به معنای اخص

سوال: در صورت تغییر قانون آیا دیوان عالی ملزم به رعایت قانون لاحق است؟

دیوان اختلاف را مورد رسیدگی قرار نمی‌دهد، اما اگر رأی نقض شود، دادگاه مرجع الیه مکلف به رعایت قانون جدید است.

نفع چیست و باید چه مقدار باشد؟ بهره و منفعتی است که در مقابل ضرر و زیان آمده است و به هر اندازه که باشد کافی است اعم از مادی / معنوی

حقوقی و مشروع باشد
به وجود آمده و باقی باشد
شخصی و مستقیم باشد.

شرایط نفع

صدور قرار تامین خواسته نسبت به طلب یا مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن فرا نرسیده است.

تامین ادله و مدارکی که در آینده ممکن است استفاده از آنها متعذر یا متعسر شود.

استثنائاتی که می توان
قبل از بوجود آمدن نفع
اقامه کرد

نکته: هرگاه شرایط اقامه دعوا وجود نداشته باشد ← دادگاه علی الاصول قرار رد یا عدم استماع صادر می کند.

شرایط درخواست رسیدگی به دعوا:
درخواست ذی نفع

الف: حقوقی و مشروع باشد یعنی مورد حمایت قانون باشد: مثلاً در دعوای تصرف عدوانی یکی از شروط دعوا این است که مال مورد تصرف قابلیت تملک خصوصی داشته باشد، بنابراین دعوای تصرف عدوانی بر ملک عمومی یا وقف مورد حمایت نیست لذا حقوقی و مشروع نمی باشد یا مثلاً چکی که در قمار صادر شده است یا تعهدی که برای زنا شده باشد. مشروع نمی باشد.

ب: به وجود آمده باشد یعنی معلق و مشروط نباشد بنابراین اگر پسری دعوای خلع ید مطرح کند و بگوید اگر پدرم فوت شود من وارثم در واقع نفع معلق به فوت پدر شده، لذا دادگاه او را ذی نفع نمی داند.

ج: شخصی و مستقیم باشد یعنی اینکه در صورت طرح دعوا نفعی نصیب خودش شود.

چه زمانی می بایست سمت دادخواست دهنده بعنوان یکی از شرایط اقامه دعوا مورد بررسی قرار گیرد؟

۱- درخواست رسیدگی را شخص اصیل مطرح نکرده باشد.

۲- دعوایی که به نمایندگی از شخص حقوقی مطرح می شود.

در ادامه ماده ۲ می خوانیم برابر قانون درخواست نموده باشد. ← این موضوع در قالب شرایط اقامه دعوا بررسی می شود.

ذی نفع باشد ← در بالا توضیح داده شد.

در مواردی که شخص به نمایندگی طرح دعوا می کند باید سمتش محرز باشد.

اهلیت قانونی داشته باشد: مثلاً تاجر ورشکسته یا صغیر غیر ممیز اهلیت امور مالی ندارند.

شرایط اقامه دعوا

قانونی نمایندگی این افراد در قانون مشخص شده است مثل:

● نمایندگی ولی خاص از صغیر

● نمایندگی وزراء و روسای سازمان از وزارتخانه و سازمان

قضایی نمایندگی این افراد به موجب رای دادگاه است مثل قیم صغیر - مدیر تصفیه

قراردادی وکالت (این بحث در مبحث وکالت مورد بررسی قرار می گیرد)

انواع نمایندگی

سفارش تلفنی: ۰۲۱۶۶۱۲۴۵۳۱

جهت سفارش اینترنتی وکیل یار آیین دادرسی مدنی کلیک کنید

<http://komakazmoon.ir/application/product/?key=۱۳۸۸۰۴۲۴>